

پیامدهای سوء کاهش دستوری نرخ سود بانکی

به همین سبب نرخ تورم یک‌رقمی که از این شیوه آمارگری و محاسبه به دست می‌آید، نرخ تورم واقعی که بتواند مبنای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای شاخص‌های مهمی چون نرخ سود سپرده‌های بانکی قرار گیرد، نیست و اعمال چنین نرخ سودهایی جز آنکه بازار پول را متلاطم و بنیه مالی بانک‌ها را تضعیف کند، نتیجه دیگری به بار نخواهد آورد. به‌همین‌سبب اگر آمارگران بانک مرکزی می‌خواهند نرخ واقعی تورم متناسب با رشد قیمت‌ها در چندسال دوره دولت یازدهم را به دست آورند، باید سبد کالا و خدماتی جداگانه به‌عنوان مبنای محاسبات خود تعریف کنند. سبدی که صرفا شامل کالا و خدمات اساسی دارای اولویت‌های بالا در سبد هزینه زندگی مردم باشد. اگر چنین سبدی مبنای محاسبه نرخ تورم قرار گیرد، آن‌وقت معلوم خواهد شد که در سال‌های اخیر، اگرچه از شتاب تورم تا حدودی کاسته شده، اما نرخ واقعی تورم یعنی آن رقمی که مردم در معیشت و سبد هزینه زندگی خود احساس می‌کنند، نتهت‌ها کاهش نیافته بلکه روند رو به رشد هم داشته است. نگاهی به رشد قیمت اقلام خوراکی مانند گوشت، برنج، حبوبات، میوه و تره‌بار، محصولات لبنی و اقلام مشابه دیگری که اصطلاحا از آنها به‌عنوان کالای سوپری یاد می‌شود و نیز هزینه خدمات انحصاری دولت مانند انرژی برق و گاز، خدمات پزشکی و درمانی، انواع داروها و نیز اجاره مسکن که سنگینی آن کمر بسیاری از خانوارهای فاقد مسکن ایرانی را خم کرده است، به‌خوبی میزان افزایش نرخ واقعی تورم را نشان می‌دهد، طرفه آنکه متناسب با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ تورم واقعی و مؤثر در هزینه زندگی مردم، میزان حقوق و دستمزد‌ها افزایش پیدا نکرده که این موضوع باز هم کاهش بیشتر قدرت خرید مردم، افزایش خط فقر و افزایش فاصله طبقاتی را در جامعه ایران به همراه داشته است. در چنین شرایط اوضاع و احوالی که بالابودن نرخ بی‌کاری هم فشاری مضاعف را بر سبد هزینه زندگی مردم وارد کرده است، درصدی از مردم از محل سود دریافتی از سپرده‌گذاری‌های پس‌انداز خود در بانک‌ها بخشی از معاش خود را تأمین می‌کنند و هر کاشی که در نرخ سود سپرده‌های بانک صورت می‌پذیرد معیشت این سپرده‌گذاران را مستقیما به مخاطره می‌اندازد. قبول این واقعیت هیچ ربطی به اصولگرا، اصلاح‌طلب، اعتدال‌گرا یا هر جناح‌بندی و تفکر سیاسی دیگری که عده‌ای خود را به آن منتسب می‌دانند، ندارد. بالا و پایین رفتن نرخ تورم ر هیچ‌کس بهتر از توده‌های مردم، خصوصا خانوارهایی که با حقوق و دستمزد‌های ثابت و به‌مراتب پایین‌تر از خط رسمی فقر روزگار می‌گذرانند و دولت‌مردان و مدیران ارشد اجرایی این خط فقر را حتی یک روز در زندگی خود تجربه نکرده‌اند، نمی‌شناسند. تأثیرات سود، کاهش دستوری نرخ سود بانکی بر زندگی و معیشت مردم و بنیه مالی بانک‌ها فقط یک روی سکه دستوری است که بانک مرکزی درباره رعایت نرخ سودهای جدید به بانک‌ها صادر کرده است. روی دیگر این سکه تغییر جهت پس‌اندازهای مردم از بانک‌ها به سوی بازار سکه و طلا و ارز و دیگر سوداگری‌های جدید اما فاقد ارزش افزوده برای اقتصاد کشور و از جهت دیگر ایجاد تلاطم در بازار مسکن استیجاری به زیان اجاره‌نشینان است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد در همین چند روزی که از صدور بخش‌نامه بانک مرکزی در ارتباط با کاهش سود سپرده‌های بانکی می‌گذرد، بازار ارز و سکه که مدت‌ها ثبات نسبی را تجربه می‌کرد، دچار بی‌ثباتی و تلاطم شده و از سوی دیگر مالکان خانه‌های مسکونی که با نرخ ۱۵درصدی سپرده‌گذاری بلندمدت در بانک‌ها برایشان صرفه اقتصادی ندارد، شیوه رهن و اجاره املاک خود را کنار گذاشته و با استرداد وجوه رهن به مستأجران قراردادهای خود را صرفا بر اساس دریافت اجاره با موچارن تنظیم می‌کنند. هیچ قانونی وجود ندارد که بتواند برای مالکان درباره میزان اجاره‌بها که وزن زیادی در سبد هزینه خانوار دارد، تعیین تکلیف کند. ظاهر مسئله کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی به هدف کاهش قیمت تمام‌شده پول برای بانک‌ها به منظور کاهش نرخ سود تسهیلات برای کارآفرینان و بنگاه‌های اقتصادی، تشویق صاحبان سپرده‌گذاری‌ها به سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا و قراردادن نقدینگی در چرخه بازار به منظور رونق‌بخشیدن به کسب‌وکارهاست که همه این اهداف روی کاغذ اهداف خوب و قابل دفاعی محسوب می‌شود اما به دلیل آنکه درصد بالایی از سپرده‌های بانکی از نوع سپرده‌های خرد است و نیز به دلیل نبود جاذبه سرمایه‌گذاری در فضای کسب‌وکار کشور، چنین اهدافی در عرصه عمل قابلیت اجرایی نخواهد داشت و به همان دلایلی که پیش‌تر ذکر آن رفت، باید منتظر پیامدهای سوء خروج سپرده‌ها از بانک‌ها باشیم. بانک‌هایی که امروز با معضل بزرگی به نام صدهزار میلیارد تومان مطالبات بلاوصول دست به گریبان‌اند و جز منابع داخلی و سپرده‌های مردم، منبع دیگری برای ادامه بقا و حیات در اختیار ندارند. مسلما اگر مقدار واقعی‌بینی و آینده‌نگری در سیاست‌گذاری‌های پولی و ارزی ما وجود داشت، سیر وقایع در مسیر دیگری تداوم پیدا می‌کرد. پس بنا بر آن ضرب‌المثل معروف که می‌گوید: جلوی ضرر را از هرجا که بگیری منفعت است. برای جلوگیری از افزایش خسارت‌های این بخش‌نامه بهترین کار صدور دستور توقف اجرای آن به بانک‌ها خواهد بود.

شرق: سهم چین در توسعه زیرساخت‌های ایران هر روز بیشتر می‌شود. ازدهای شرق آسیا پس‌ازآنکه فاینانس طرح‌های فولادی و پتروشیمی ایران را تأمین کرد، به‌دنبال آن اسست تا اعتبار مورد نیاز برای طرح‌های زیرساختی حمل‌ونقل ریلی را نیز تأمین کند. چند روز پیش هم یک هیئت چینی به ایران آمد تا درباره گسترش شبکه ریلی، ساخت قطارهای سریع‌السیر و زیرساخت‌های این بخش مذاکره کند. تأکید نماینده این هیئت چینی که با خیرالله خادمی، معاون وزیر راه و شهرسازی، دیدار کرد این است که چین راهکارهای جدیدی برای ساخت زیربنای حمل‌ونقل ایران پیدا کرده. به نظر می‌رسد آنچه چینی‌ها را بیشتر به سمت ایران متمایل می‌کند، درخواست‌های زیاد و بی‌دربی ایران برای تأمین منابع اعتباری مورد نیاز است. چینی‌ها به‌دنبال آن هستند که خطوط زیرساختی ایران را با تهاتر پول نفت بسازند. آن‌گونه که نماینده این هیئت چینی گفته، «بعد از رفع تحریم‌ها شرایطی فراهم شد تا بتوانیم با ایران همکاری بیشتری داشته باشیم؛ اکنون هم پیشنهاد ما احداث این خطوط به روش تهاتر با نفت و انتقال تکنولوژی ساخت به ایران است که البته برای اجرایی‌شدن آن به حمایت انجمن توسعه فاینانسس چین نیاز داریم». هرچند قرار بر این است که طرف چینی پیشنهادهای خود را به‌صورت مکتوب برای بررسی به طرف ایرانی ارائه دهد، اما به نظر می‌رسد ایرانی‌ها نیازمند هویشاری بیشتری برای عقد قرارداد با چین هستند.

ردپای چین در توسعه فولاد و پتروشیمی

چینی‌ها بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در جهان هستند، اما در سال‌های اخیر فاینانس‌های مطلوبی برای راه‌اندازی طرح‌های فولادی به ایران ارائه کرده‌اند. ایرانی‌ها نیز از این فاینانس استفاده کرده‌اند. در واقع، با استفاده از فاینانس‌های چینی، هشت طرح فولادی در ایران راه‌اندازی شده و به ثمر نشسته است. چینی‌ها همچنین فاینانس برخی طرح‌های پتروشیمی ایران را تأمین کرده‌اند. براساس آنچه مسئولان وزارت نفت اعلام کرده‌اند، چینی‌ها منابع مورد نیاز پنج طرح پتروشیمی را تأمین کرده‌اند؛ این همان موضوعی است که نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین نیز به آن اشاره می‌کند. مجیدرضا حریری در این ارتباط به «شرق» گفت: «به‌صورت کلی جریان فاینانسس مطلوبی میان ایران و چین برقرار است؛ این جریان فاینانس در دو تیپ به ایران ارائه می‌شود: یک تیپ فاینانس‌هایی است که برای طرح‌های فولادی اختصاص یافت که از سال‌های گذشته نیز برقرار بوده و یک تیپ نیز فاینانس‌هایی که اگرزیم‌بانک چین به ایران ارائه داد». او، البته به این موضوع نیز اشاره می‌کند که شرکت‌های چینی برای ارائه فاینانس به ایران لحظه‌شماری می‌کنند: «ایران برای اجرای پروژه‌هایش به فاینانس نیاز دارد؛ این در شرایطی است که متقاضیان فاینانس به‌دلیل رکود ایجادشده در حوزه پروژه‌های عمرانی بسیار کاهش یافته‌اند؛ بنابراین بسیاری از شرکت‌های فاینانس‌سرد دنیا تمایل دارند وارد حوزه تأمین مالی پروژه‌های ایران شوند». حریری البته به این موضوع نیز اشاره می‌کند که این شرکت‌های تأمین‌کننده مالی باید خود را با قرارداده‌ا و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی

اقتصاد

رئیس‌جمهور سابق ۶ برابر پول نفت را از چینی‌ها طلب کرد

لجباری‌های احمدی‌نژاد فاینانس چینی را به باد داد



وفق دهند. به گفته او، شرکت‌های تأمین‌کننده مالی در جهان باید بتوانند خود را با شرایطی که بانکداری جهانی علیه سیستم بانکی ما ایجاد کرده تطبیق دهند: «برخی از شرکت‌ها می‌توانند خود را تطبیق دهند و برخی دیگر نه؛ بنابراین ما در دریافت برخی فاینانس‌ها موفق بوده‌ایم و در دریافت برخی دیگر توفیقی نداشته‌ایم». آن‌گونه که او می‌گوید، بانک توسعه زیرساخت چین، اگزیم‌بانک چین و اگزیم‌بانک کره مذاکراتی را با طرف‌های ایرانی انجام داده‌اند و پروژه‌های نیازمند تأمین مالی نیز به آنها معرفی شده است. نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین تأکید می‌کند برای دستیابی به رشد اقتصادی و برون‌رفت از رکود فعلی، باید از فاینانس‌های خارجی استفاده کنیم: «ایرانی‌ها در شرایطی قرار دارند که باید از منابع خارجی استفاده کنند، چراکه سرمایه‌های داخلی ما کفاف نرخ رشد هشت درصدی با اشتغال ۸۰۰ هزار نفری در سال را نمی‌دهد؛ بنابراین باید یا از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورمان استفاده کنیم یا برای دریافت فاینانس‌های خارجی اقدام لازم را انجام دهیم که البته کار بسیار سختی است». او ادامه داد: «باید به این نکته هم توجه کنیم که همه شرکت‌های فاینانسرد دنیا باید این هستند که در کشور ما سرمایه‌گذاری کنند و سود خود را دریافت کنند، چراکه سودی که این شرکت‌ها از ما می‌گیرند سود خوبی است و نسبت به نرمال جهانی بالاتر محاسبه می‌شود».

احمدی‌نژاد لج‌بازی کرد و فاینانس از کف رفت

استفاده از منابع مالی خارجی برای اجرای پروژه‌های زیرساختی ایران در شرایطی مطرح می‌شود که دولت‌های مختلف همواره به‌دنبال جذب فاینانس بوده‌اند. در دولت دهم نیز نوع تازه‌ای از فاینانس‌های ایجاد شد که براساس آن قرار بود پول فروش نفت ایران به چین به‌عنوان ضمانت‌نامه فاینانس‌ها در نظر گرفته شود و این کشور نیز مطابق قراردادهای موجود، منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های ایران را تأمین کند. حریری در این ارتباط نیز گفت: «در سال‌های ۹۰ و ۹۱ یعنی زمانی که در اوج تحریم‌ها قرار داشتیم، قرار بر آن بود که معادل مبلغ ذخیره ارزی که در چین وجود دارد، از این کشور فاینانس بگیریم؛ نخستین پیشنهادی که وجود داشت این بود که سپرده‌های ارزی ایران حکم ضمانت را پیدا کند و بتوانیم سه برابر آن از چینی‌ها فاینانس بگیریم،

اما برخی لج‌بازی‌ها اجازه نداد این اتفاق بیفتد». به گفته او، دندان‌گردی دولت دهم سبب شد شرایط تأمین مالی از سوی چین در دولت دهم فراهم نشود: «در مذاکرات مرتبط با فاینانس میان ایران و چین، از سوی مسئولان وقت کشور ما لج‌بازی‌هایی شد؛ این لج‌بازی‌ها هم به این شکل بود که به‌صورت ناگهانی به چین اعلام شد به‌جای دریافت سه برابر ذخایر ارزی موجود در چین به‌عنوان فاینانس، باید شش برابر فاینانس به ایران پرداخت شود. این لج‌بازی‌ها از سوی شخص رئیس‌جمهور انجام شد و البته مبنای منطقی نیز نداشت چراکه در آن زمان ایران ۲۰ میلیارد دلار سپرده ارزی در چین داشت که شش برابر آن، رقمی معادل ۱۲۰ میلیارد دلار را شامل می‌شد؛ اصلا در آن زمان به این اندازه پروژه نداشتیم که چین بخواهد به ما فاینانس بدهد». نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین یک مشکل دیگر این موضوع را نیز مربوط به منابع موجود در بانک‌های داخلی دانست: «نکته جالب اینجاست که اگر ما می‌خواستیم ۱۲۰ میلیارد دلار از چین فاینانس بگیریم، ۳۰ درصد آن باید از طریق بانک‌های داخلی تأمین می‌شد. یعنی ما باید ۳۰ میلیارد دلار پرداخت می‌کردیم که آن‌موقع هم ما ۳۰ میلیارد دلار نداشتیم! بعد دعوا می‌کردیم که شش برابر بدهید! همین موضوع سبب شد که نه دستان به فاینانس برسد و نه به پولمان».

دولت یازدهم کره فاینانس را باز کرد

پس از کش‌وقوس‌هایی که بین ایران و چین برای اختصاص فاینانس به طرح‌های داخلی صورت گرفت، شرایط ایران نیز تغییر کرد. چرا که در آن مقطع زمانی، ایران در اوج تحریم‌ها قرار گرفت و وضعیت به اندازه‌ای دشوار شد که مسئولان کشور به پرداخت فاینانسی معادل ذخایر ارزی ایران در چین نیز راضی شدند. حریری در این‌باره نیز گفت: «همان مسئولانی که لج‌بازی می‌کردند و تأکید داشتند چین باید شش برابر ذخایر ارزی به ایران فاینانس دهد، به این راضی شدند که معادل ذخایر را به صورت فاینانس دریافت کنند. با وجود این، طرف چینی باز هم راضی نشد تا اینکه دولت یازدهم مستقر شد و شرایط تغییر کرد». به گفته او، علی‌طیبنیا، وزیر اقتصاد دولت یازدهم، برای برقراری فاینانس‌های چین پیگیری‌های زیادی انجام داد و به نتیجه هم رسید: «با پیگیری‌های طیبنیا، قرار بر آن شد که چین دو برابر میزان ذخایر ارزی ایران را فاینانس بدهد؛ سهم بانک‌های داخلی در این فاینانس نیز از ۳۰ درصد به ۷۰٫۵ درصد کاهش یافت و شرایطی ایجاد شد که اعتبار موردنیاز اجرای هشت طرح فولادی و پنج طرح پتروشیمی تأمین شود». نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین فعال‌ترین وزارتخانه پس از برجام در استفاده از منابع مالی را نیز وزارت راه و شهرسازی می‌داند: «پس از برجام وزارت راه و شهرسازی توانست هم ناوگان هوایی را نوسازی کند و هم برای توسعه زیرساخت‌های ناوگان ریلی برنامه کاربردی بدهد؛ اگر وزارتخانه‌های دیگر هم می‌توانستند برنامه‌های عملی موردنیاز در حوزه‌های خود را آماده کنند، قطعا چینی‌ها برای تأمین مالی بیشتر این طرح‌ها پیش‌قدم می‌شدند و شرایط برای توسعه کشور بیشتر فراهم می‌شد».

حضور موفق همراه اول در بیستمین کنفرانس QMOD

● **ایرنا:** بیستمین دوره از کنفرانس QMOD (مدیریت کیفیت برای توسعه سازمانی) با حضور موفق همراه اول و با شعار «چالش‌ها و فرصت‌های کیفیت محصول در چهارمین انقلاب صنعتی» از پنجم تا هفتم آگوست (۱۴ تا ۱۶ مرداد) در دنامارک برگزار شد. کنفرانس QMOD یکی از بزرگ‌ترین کنفرانس‌های علمی و تحقیقاتی در سطح جهانی است که هر ساله در زمینه کیفیت، خدمات، توسعه سازمانی و مدیریت امور مربوط به آنها، با همکاری دو دانشگاه معتبر سوئدی (لوند و لیکشویینگ) و انتشارات Taylor & Francis و Emerald برگزار می‌شود. یکی از نکات قابل‌توجه در بیستمین دوره از این کنفرانس، حضور موفق همراه اول بود. در تاریخ ۱۹ساله برگزاری این کنفرانس، تعداد مقالات پذیرفته‌شده ایرانی در مجموع سه مقاله بود؛ اما امسال، برای اولین‌بار پنج مقاله ایرانی پذیرفته ارانه شد. نویسندگان این مقالات که همه از کارکنان شرکت همراه اول (دانشجویان دوره MBA دانشگاه لیکشویینگ سوئد) بودند، توانستند در سومین روز از این رویداد که به‌طور ویژه تحت عنوان روز MCI برنامه‌ریزی شده بود، مقالات خود را ارائه کنند. «حسن بهمداری»، مدیرکل محصولات و خدمات همراه اول درباره روند حضور این مجموعه در کنفرانس QMOD می‌گوید: «همراه اول در راستای تربیت نیروی انسانی خود در سطح جهانی، اقدام به تعریف و اجرای پروژه‌هایی تحت عنوان MLDLP (MCI leadership development program) کرد. در این پروژه، آزمون‌هایی از مدیران متقاضی همراه اول گرفته شد که نفارت برگزیده در دانشگاه لیکشویینگ سوئد – مبدع و پیشرو در ارائه روش تدریس (Problem Base Learning) در جهان – مشغول تحصیل هستند». بهمداری افزود: مدیران همراه اول پس از گذراندن دروس تخصصی در رشته MBA، با استفاده از تجربیات علمی خود در زمینه تکلام اقدام به تدوین و ارسال مقالات خود به کنفرانس QMOD کردند. پروفیسور «پنس دالگارد»، رئیس انجمن کیفیت اتحادیه اروپا بنیان‌گذار و برگزارکننده این رویداد است که نگارش بیش از ۱۵ کتاب و ۲۰۰ مقاله تحقیقاتی را در کارنامه علمی خود دارد و بسیاری از صاحب‌نظران حوزه MBA با نام او به‌عنوان نویسنده کتاب «اصول مدیریت کلان کیفیت» آشنایی دارند.

عید سعید قربان مبارک

باختصاص نذورات خود به حمایت از توان خواهان تحت پوشش بنیاد خیریه سپهر

ما را در انجام کارخیر یاری نمایید.

همچنین خبرین میتوانند به صورت مشارکتی هزینه بخشی از یک گوسفند را بپردازند.

شماره حساب بانک پاسارگاد: ۰۱-۱۳۶۰۲۷-۱۰۱۳۶۰۰۸۱۰۰-۲۰۵

شماره کارت عابر بانک دی: ۰۳۲۵۶-۱۰۰۰-۳۸۷۰-۵۰۲۹

شماره گیری از طریق تلفن همراه: #مبلغ کمک*۱۶۶۴۹۸*۴*۷۳۳*

شماره پیامک: ۳۰۰۰۲۱۱۸۸۰۰۸۰۰

www.sepehrcharity.com